



کنزالمعانی (منشآت نیمدهی)، عبدالکریم نیمدهی، تصحیح و توضیحات و اضافات: دکتر محمدرضا نصیری و دکتر محمدباقر وثوقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه شبه‌قاره، تهران، ۱۳۹۲، ۵۲۰ صفحه، ۳۰۰۰۰ تومان.

عبدالکریم نیمدهی یکی از شاگردان محمود گاوآن بوده است. ژان اوبن در مقاله‌ای که در سال ۱۹۶۶م منتشر شد برای اولین بار به معرفی عبدالکریم نیمدهی پرداخت. از عبدالکریم نیمدهی دو اثر با نام‌های طبقات محمودشاهی و کنزالمعانی برجای مانده است. او در طبقات محمودشاهی سال تولد خود را ۸۴۳ق ذکر کرده است. محل تولد وی روستای «نیمده» در بخش شمالی شهر خنج است. عبدالکریم نیمدهی تحصیلات خود را در شیراز به انجام رسانیده و در سال ۸۷۶ق یا ۸۷۷ق به هندوستان مهاجرت کرده است. وی به مدت ده سال نزد محمود گاوآن به منشی‌گری پرداخته است. ظاهراً ارتباط نزدیکی بین خواجه محمود

گاوآن و عبدالکریم نیمدهی وجود داشته است تا جایی که پس از قتل خواجه محمود گاوآن (۸۸۶ق) دشواری‌هایی برای عبدالکریم به وجود آمده است. آخرین آگاهی حاصل شده از عبدالکریم مربوط به سال ۹۰۵ق است که در گجرات و به دستور محمود شاه گجراتی به تألیف کتاب طبقات محمودشاهی مشغول بوده است.

طبقات محمودشاهی اثری تاریخی از عبدالکریم نیمدهی است که در سال ۹۰۵ق در گجرات به رشته تحریر در آمده و نثری ساده و روان دارد.

کنزالمعانی اثری دیگر از هموست که تنها نسخه برجای مانده از آن در کتابخانه سلیمانیه ترکیه محفوظ است. نسخه مذکور در سال ۹۹۶ق، به خط نستعلیق و به قلم حسین بن احمد کربلایی کتابت شده است. این نسخه ۲۰۷ برگ دارد. غالباً عبارات عربی به خط نسخ و عبارات فارسی به خط نستعلیق کتابت شده است. کنزالمعانی شامل یک مقدمه، سه دیباچه و ۱۳۴ نامه است. این نامه‌ها در سه گروه قابل طبقه‌بندی هستند: ۱. مکاتبات عبدالکریم

نیمدهی؛ ۲. مکاتبات محمود گاوآن؛ ۳. مکاتبات پادشاهان بهمنی. بیشتر این نامه‌ها بدون تاریخ است. قدیم‌ترین تاریخ ذکر شده سال ۸۷۷ق و آخرین آنها سال ۸۹۴ق است. سبک انشای *کنزالمعانی* مشابه *ریاض الانشا* است که این امر با توجه به گفتۀ نیمدهی مبنی بر مشارکت وی در تنظیم نامه‌های محمود گاوآن توجیه می‌شود. *کنزالمعانی* از نظر ادبی و تاریخی حائز اهمیت است. با توجه به اینکه این کتاب در گروه «منشآت» قابل طبقه‌بندی است، جزو مدارک و اسناد آرشیوی به حساب آمده و اطلاعات ارزنده‌ای در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. این کتاب حاوی اطلاعات تاریخی پیرامون ملوک بهمنی دکن است و وضعیت مناسبات آنها با امرای ایران، تاریخ محلی گیلان، مراودات اقتصادی خلیج فارس را پوشش می‌دهد.

این کتاب برخلاف *طبقات محمودشاهی* نثری متکلفانه دارد و نویسنده از اشعار شاعرانی چون حافظ، سعدی، نظامی و جامی و... استفاده کرده است. مصححان این اثر جهت سهولت استفاده، آیات و احادیث و جملات و اشعار عربی را به فارسی ترجمه کرده و در صورت نیاز توضیحاتی به آن افزوده‌اند. دوگانگی‌های املایی واژه‌ها نیز بر مبنای رسم‌الخط رایج امروزی اصلاح شده است. هم‌چنین فهرست آیات، اشعار فارسی و عربی، مصراع‌ها، لغات، ترکیبات، تعبیرات، اشخاص و مکان‌ها استخراج و در انتهای کتاب آورده شده است. مغایرت تعدادی از ابیات با آنچه در دیوان‌های تصحیح شده وجود دارد نیز در پاورقی نشان داده شده است.

زهرامعمر

مرآت‌الاصطلاح، آندرام مخلص، مقدمه و تصحیح چندرشیکهر، حمیدرضا قلیچ‌خانی و هومن یوسفدهی، دلی کتاب گهر، دهلی، ۲۰۱۳م، مجلد اول ۴۲۳ + ۴۸ صفحه، مجلد دوم ۸۰۰ + ۱۸ صفحه.

مرآت‌الاصطلاح اثری آمیخته از فرهنگ اصطلاحات فارسی و دانشنامه‌ای در موضوع‌هایی متنوع اعم از تاریخ، ادبیات، فرهنگ، گیاه‌شناسی، طب و مردم‌شناسی است. مؤلف آن آندرام مخلص، معروف به رای رایان (۱۱۰۷-۱۱۶۴ق/ ۱۶۹۵-۱۷۵۰م) از نویسندگان و شاعران پارسی‌گوی عالی رتبه هند بوده است. او در قصبه‌ای از توابع سیالکوت، منطقه‌ای در پنجاب زاده شد و به خاندانی هندو و با نفوذ از طبقه کهنتری هندوان تعلق داشت.

هر دی رام، پدر آندرام، از راجه‌های صاحب سمت لاهور در دربار تیموریان بود. آندرام به جهت خاستگاه خانوادگی فرصتی داشت که در نوجوانی با علاقه‌ای وافر به تحصیل و مطالعه کتاب‌ها و دواوین شاعران بپردازد (نک: چندرشیکهر و دیگران، «مقدمه» *مرآت‌الاصطلاح*، XXVII).

میرزا عبدالقادر بیدل (۱۰۵۴-۱۱۳۳ق/ ۱۶۴۴-۱۷۲۰م) و سراج‌الدین علی‌خان آرزو (وفات: ۱۱۶۹ق/ ۱۷۵۶م) دو تن از استادان او در حوزه شعر و شاعری بودند. آندرام نزد بیدل و سپس نزد آرزو نزدیکان او به اصلاح شعر خود پرداخت.

پیام اکبرآبادی، قزلباش خان همدانی متخلص به امید و حزین لاهیجی از معاشران او بودند. به غیر از فرهنگ *مرآت‌الاصطلاح*، آثار دیگر

گل رعنا و مصحفی همدانی در عقد ثریا، همه، نقل شده است (نک: همان، 1i-xxxix).

تاریخ تألیف این فرهنگ از موضوع‌های دیگری است که در مقدمه به آن اشاره شده و برای تأیید تاریخ تألیف به حکایتی که در ضمن احوال حاجی نذیر در متن کتاب آمده، ارجاع شده است (نک: همان، مقدمه، 1xv؛ آنندرام مخلص، ج ۱، ص ۲۲۶-۲۲۷).

پس از آن سخن از ساختار کتاب است و طی آن به روش مؤلف فرهنگ اشاره شده است که با دیباچه کوتاه وی آغاز می‌شود و پس از آن سر واژه‌ها به صورت الفبایی آمده‌اند. یک یا دو شاهد شعری در هر مدخل ذکر شده است و در پایان هر باب (حرف) امثال موزون آمده است.

منابع آنندرام در تهیه مرآت/اصطلاح علاوه بر تجربیات شخصی وی، منابع شفاهی است که آن را قید می‌کند. مثلاً ذیل مدخل خشک دامن پس از ارائه تعریف گفته شده که «از زبان دانان مسموع شد» (آنندرام، ج ۱، ص ۳۲۶).

منابع مکتوب او در هر بخشی متفاوت است مثلاً در بخش سرواژه‌ها از کتاب حجت ساطع ملاساطع کشمیری بهره‌برده و مجموعاً ۱۲۰ سر واژه از آن نقل شده است. در بخش امثال، از اثر میرزا محمد قزوینی استفاده کرد، و سپس به آن مثال‌هایی افزوده است و در ذکر شواهد از دیوان‌های شعر معاصران ایرانی و هندی بهره برده است. از منابع مهمی که در دسترس آنندرام بوده، نقل قول‌هایی از نامه‌های دربار نادرشاه به محمدشاه بوده است. زیرا آنندرام وکیل حاکم پنجاب و ملتان بود و مسئولیت عرضه نامه‌ها را به عهده داشت. اصطلاحات جدید فارسی زبانان و نیز اصطلاحات رایج هندی نیز از

آنندرام عبارت است از:

۱. دیوان مخلص که نسخه خطی آن در کتابخانه رضا رامپور، دانشگاه اسلامی علی‌گره؛ بریتیش میوزیوم؛ دانشگاه پنجاب لاهور (که فقط حاوی رباعیات و به کتابت خود شاعر است)؛ نسخه کتابخانه دیوان هند و انجمن ترقی اردو موجود است (نک: همان، 1iii).
۲. چمنستان؛ ۳. رقعات مخلص؛ ۴. کارنامه عشق؛ ۵. هنگامه عشق؛ ۶. پری‌خانه؛ ۷. بدایع‌وقایع؛ ۸. راحة‌الافراس؛ ۹. بیاض مخلص؛ ۱۰. مجموعه یادداشت‌های پراکنده؛ ۱۱. انتخاب تحفه سامی؛ ۱۲. تهنیت‌نامه؛ ۱۳. تذکره‌الشعرا آنندرام؛ ۱۴. دستورالعمل؛ ۱۵. گلدسته اسرار.

مصحاحان مرآت/اصطلاح در مقدمه‌ای مفصل به احوال و معرفی آثار آنندرام پرداخته‌اند. در معرفی مرآت/اصطلاح تاریخچه‌ای مختصر درباره فرهنگ‌نویسی در هند از آغاز تا زمان نگارش این اثر ذکر شده که چکیده‌ای از مقاله مفصل چندرشیکهر به زبان انگلیسی است و ترجمه فارسی آن را نگارنده مقاله پیشتر در نامه فرهنگستان^۱ به چاپ رسانده است.

در مقدمه کتاب درباره تاریخ و محل درگذشت آنندرام، ویژگی‌های اخلاقی و جایگاه ادبی او سخن گفته شده است. هم‌چنین آرای کسانی چون آرزو در مجمع/النفایس؛ آزاد بلگرامی در خزانه عامره؛ شفیق اورنگ‌آبادی در

۱. «بررسی اجمالی فرهنگ‌های هندی - فارسی و نظری بر عناصر فنی و فرهنگی مرآت اصطلاح آنندرام مخلص»، نامه فرهنگستان، دوره هفتم، ششم سوم، پیاپی ۲۷، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷-۱۸۲.

همین طریق، بیشتر گردآوری شده است. عناوین برخی از منابع دیگر مورد استفاده مخلص عبارت است از *آیین اکبری*، *اکبرنامه*، *تذکرۀ نصرآبادی*، *بهادرشاه‌نامه*، *پادشاه‌نامه*، *مآثر عالمگیری* و *حمزه‌نامه*.

در مطلبي با عنوان «امتیازات اثر» به اهمیت این فرهنگ از زبان خود مؤلف و نیز، تحلیل مصححان اشاره شده است. برخی از مزایای شمرده شده عبارت است از:

۱. تعداد امثال فارسی و معادل‌های هندی که در این فرهنگ آمده، بیش از دیگر فرهنگ‌ها و آثار مشابه است.

۲. مطالبی مثل نقل قول‌ها و لطیفه‌ها و خاطرات مندرج در کتاب آن را از حالت فرهنگ خارج کرده و به دانشنامه‌ای بدل کرده است.

۳. هندو و هندوی زبان بودن مخلص و تخصص وی در امور دیوانی و انشا سبب شده که اطلاعاتی قابل توجه دربارهٔ مکاتبات و امور دیوانی و درباری و نیز آداب و رسوم هندوها و مسلمانان شبه‌قاره ارائه شود.

۴. مطالب انتقادی دربارهٔ واژه‌سازی و معنی‌شناسی و بیان اختلاف نظرها و ذکر آراء زبان‌دانان از نوآوری‌های این اثر محسوب می‌شود.

۵. ارائه گزارشی از زندگی برخی از معاصران.

۶. ارائه اطلاعاتی از دو اثر با عناوین *حجت ساطع* اثر ساطع کشمیری و *امثال* تألیف میرزا محمد قزوینی که، در حال حاضر، از هیچکدام اثری در دست نیست.

۷. ارائه مطالبی در باب آداب و رسوم هندوایران و اشتراکات آنها.

۸. از جنبۀ زبان‌شناختی، با آوردن شواهد و

مثال‌هایی تفاوت میان فارسی و گونه‌های رایج آن مانند فارسی ولایت، فارسی اهل زبان و فارسی‌زبانان و فارسی تورانی و اهل هند نشان داده شده است.

۱۰. ذکر اصطلاحات خوشنویسی و نقاشی در این فرهنگ بررسی و مطالعه پریخانه، اثر دیگر آندرام را آسان می‌سازد.

گزارش نسخه‌ها و روش تصحیح از مطالب دیگر مقدمۀ کتاب است. در این قسمت مشخصات چهار نسخه به ترتیب مربوط به کتابخانۀ خدابخش (نسخۀ اساس این چاپ)؛ نسخۀ موزۀ بریتانیا؛ نسخۀ کتابخانۀ دانشگاه پنجاب لاهور؛ نسخۀ انجمن ترقی اردو و نیز دو نسخۀ دیگر ارائه شده و سپس روش تصحیح بیان شده است. سپاسگزاری پایان بخش مقدمۀ چندرشیکهر، حمیدرضا قلیچ‌خانی و هومن یوسفدهی است.

آندرام آنگونه که چندرشیکهر («بررسی اجمالی فرهنگ‌های...»، ص ۱۷۳) معرفی کرده است: «اثری شامل شواهد شعری، امثال، توضیحات تاریخی جسته و گریخته مربوط به دربار دهلی و معاصران مشهور اوست».

هر چند *مرآت‌الاصطلاح* در ایام آشوب‌های سیاسی و اجتماعی و دوران انحطاط کامل پادشاهی تیموریان هند تألیف شد؛ اما اوضاع ادبی هند به بدی اوضاع سیاسی آن نبود و در این دوران زبان و ادب فارسی که پیش از این تنها در میان طبقات ممتاز جامعه رواج داشت به میان مردم راه یافته بود.

در همین دوران، آندرام اندیشۀ گردآوری اشعار شاعران را در سر داشت و قصدش این بود که اثری تألیف کند حاوی اصطلاحاتی که دیگر

خوشنویسی و هدایت‌الله خوشنویس نیز صحبتی به میان آمده است. هم‌چنین گاهی موقع معنی کردن کلمات حکایات و داستان‌هایی بیان شده است که اغلب مبتنی بر مشاهدات مؤلف می‌باشد. آنندرام مخلص بدین ترتیب سعی نموده است که موضوع فرهنگ‌نویسی که ظاهراً یک موضوع خشکی محسوب می‌شود به دست او بسیار جالب از آب در بیاید.

مجلد اول این فرهنگ در بردارندهٔ سرواژه‌های الف - ز و مجلد دوم شامل سین - ی است. پیوست اول با عنوان «ملّخص بیاض مخلص» که برگرفته از آیین/کبری ابوالفضل علامی و در احوال گل‌ها و میوه‌های هندوستان و احوال عنبر و غیره است.

پیوست ۲ «احوال منصب‌داران و دفاتر خالصه» است و پس از آن «فهرست شرح احوال، نقل‌ها، فایده‌ها و لطیفه‌ها» که با ترتیب الفبایی آمده است. انضمام این فهرست از ضروریات فرهنگ حاضر محسوب می‌شود، زیرا جست‌وجو و را در این فرهنگ میسر می‌سازد و بهتر می‌بود شمارهٔ صفحه در فهرست مطالب دو مجلد یا فهرست کلی ذکر می‌شد تا این دسترسی آسان‌تر شود. فهرست واژه‌ها و عبارات هندی از دیگر فهارس تعلیقات است، نبود معانی و تعریف در برابر واژه‌ها و اصطلاحات هندی از کمبودهای این فهرست به نظر می‌آید. آخرین فهرست و فهرست اعلام کتاب شامل اشخاص، جاها و آب‌ها است. کتابنامه فارسی و غیرفارسی نیز در پایان آمده است. تصاویری رنگی از نسخهٔ اساس این فرهنگ زینت‌بخش آن است.

فرهنگ‌نویسان در آثار خود نیاورده بودند و مقصود عمده او مشخص کردن کاربرد اصطلاحات در آثار شعرای معاصر بود که فرهنگ‌نویسان دیگر به معانی ضمنی آنها نپرداخته بودند. لذا نوع کار او باعث تمایز اثر وی از آثار دیگران بوده است (همو، ص ۱۷۴؛ چندرشیکهر و دیگران، «مقدمه»، مرآت/الاصطلاح، ص xiv-xii).

مرآت/الاصطلاح بیانگر جریان فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و زبانی هند از قرن ۱۸م است. هر مدخل آن بیشتر به صورت عبارتی مجازی و استعاری است و پس از تعریف هر مدخل، شاهد شعری آن آمده و در پایان هر باب (حرف تهجی) امثال موزون و غیرموزون آمده است.

در حقیقت، این اثر فرهنگ اصطلاحات رایج و ضرب‌المثل‌هایی است که در فواصل آن، میان مدخل‌ها، بنا به مناسبتی شرح احوال یکی از معاصران اعم از شاعران و صاحب‌منصبان آمده است، نظیر احوال سراج‌الدین علی‌خان آرزو در مجلد اول، ص ۱۹ و یا احوال حاجی نذیر در مجلد اول، ص ۲۲۲ و احوال فصاحت خان متخلص به راضی در مجلد دوم، ص ۴۳۵.

هیچ ترتیب یا ضابطه‌ای خاص در ذکر این احوال رعایت نشده است. همان‌گونه که شهریار نقوی^۱ (ص ۱۵۰-۱۵۱) گفته است: «در بعضی موارد ضمن معنی کردن الفاظ مطالبی درج شده است که ظاهراً با آن کلمات ربطی ندارد مثلاً موقعی که کلمهٔ نیشکر^۲ معنی شده از

۱. فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، سید حیدر شهریار نقوی، تهران، ۱۳۴۱.

۲. گفتنی است که در نسخهٔ مورد استفادهٔ این چاپ، اموال شیخ هدایت‌الله خوشنویس در جلد اول، ذیل مدخل «بسته نیشکر» آمده است.

برخوان آرزو (گفتارهایی در زمینه
نظریه‌های ادبی و زبان‌شناختی سراج‌الدین
علی‌خان آرزو)، مهدی رحیم‌پور، مجمع
ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۹۱، ۲۸۰ صفحه.

کتاب مجموعه‌ای از چهارده مقاله است که
پیش‌تر در مجلات و نشریات ادبی چون آینه
میراث، کتاب ماه ادبیات، گزارش میراث،
مجموعه‌ مزدک‌نامه و میراث بهارستان به چاپ
رسیده‌اند و چنانکه از نام آن پیداست گفتارهایی
پیرامون نظریه‌های ادبی و زبان‌شناختی
سراج‌الدین علی‌خان آرزوست.

مؤلف، کتاب را با احوال و آثار خان آرزو
ابتدا کرده و به معرفی و طبقه‌بندی آثار وی
تحت هشت عنوان موضوعی فرهنگ لغت، نقد
ادبی، زبان‌شناسی، معانی و بیان، صرف و نحو،
شروح، تذکره‌نویسی، کلیات اشعار و رسایل و
مکاتیب می‌پردازد. سپس برخی آثار منسوب به
خان آرزو را برمی‌شمارد.

مقاله دوم: «زبان، مسائل زبانی و مسائل
تاریخی زبان فارسی از نگاه خان آرزو»: مؤلف در
این بخش به بررسی مفصل‌ترین اثر خان آرزو
در زبان‌شناسی سنتی یعنی رساله‌ مثمر
می‌پردازد و نشان می‌دهد که آرزو در تألیف آن
به المذهر فی علوم اللغة سیوطی نظر داشته
است. در ادامه به بیان نظریات آرزو در مورد
کارکرد سه‌گانه زبان محاوره‌ای، مجازی و
استعاری پرداخته، سپس نقدهایی به
دیدگاه‌های آرزو در مورد تاریخ زبان فارسی،
معنی فارسی و انواع زبان فارسی وارد می‌کند و
دیدگاه‌های آرزو در مورد زبان معیار و موارد

مرآت/اصطلاح در مجلد اول دارای
پیش‌گفتاری از دیپتی تریپاتی^۱، رئیس سازمان
نسخ خطی هند است که در انتشار متون فارسی
و عربی بسیار فعال است، وی از منظری
زبان‌شناسانه به بحث تعامل تاریخی فارسی و
زبان هندی و گونه فارسی هندی می‌پردازد و
مرآت/اصطلاح را علاوه بر این که اثری زبانی
می‌داند آن را متنی معرفی می‌کند که
چشم‌اندازی عمیق به مسایل جامعه‌شناختی،
سیاسی و اقتصادی عصر خود دارد و ارزش کار
مصححان را نیز یادآوری می‌کند.

مقدمه مصححان اثر، به زبان انگلیسی علاوه
بر مطالب مقدمه فارسی آن، نکاتی را در بردارد
که با اشاره به برخی مدخل‌های آن نظیر مدخل
«خانه سامان» و «چپر» (نک: مرآت/اصطلاح،
34) به هم‌زیستی در زبان فارسی و هندی و
کاربرد اصطلاحات مشترک دیوانی آن دوران
اشاره دارد که می‌تواند برای خوانندگان بومی و
غیر فارسی زبان نیز سودمند باشد.

چاپ و نشر فرهنگ مرآت/اصطلاح
مژده‌ای است به جامعه علمی و ادبی ایران و
شبۀ قاره و به حق می‌توان مدعی بود که
پاسداری از چراغ فروزان زبان و ادب فارسی در
آن سوی مرزها، از قالب شعار فراتر رفته و این
خود بشارتی است بر استمرار این جریان و چاپ
آثار مشترک دیگری که در راهند.

ثریا پناهی

عدول از آن را بیان می‌دارد.

مقاله سوم: «سنت تحقیقات واج‌شناسی در تاریخ زبان و ادبیات فارسی»: در این بخش نویسنده نظریات خان آرزو را در مورد ابدال واج‌های فارسی بیان کرده به مقایسه آن با نظریات زبان‌شناسی جدید و به ویژه آرای هانریش هوبشمان می‌پردازد.

مقاله چهارم: «خان آرزو و زبان‌شناسی تطبیقی و تاریخی»: به نقد و بررسی تقریرات خان آرزو در مورد الفاظ مشترک و دخیل فارسی و هندی می‌پردازد. خان آرزو اشتراک‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کند: توافقی، اتفاقی، تفریس (تصرف در جوهر کلمه از جهت تغییر در تلفظ یا غیر آن)، التزام و مهند (اصطلاح خان آرزو برای الفاظ داخل شده در دفاتر هندی)، و نویسنده شواهدی از فرهنگ *چراغ‌هدایت و زواید/فوائد* ذکر می‌کند.

مقاله پنجم: «دیدگاه‌های آواشناختی سراج‌الدین علی‌خان آرزو براساس رساله مثمر»: مؤلف در این گفتار به دیدگاه‌های آرزو در مورد اختلاف تلفظ لغات، و سپس به اختلاف کیفیت تلفظ حروف و مقولات تشدید مخفف، تخفیف مشدد، حذف، اضافه، قلب، ابدال (بدل و بدل البدل) و اماله حروف پرداخته و در اثنای آن نقدها و توضیحاتی در باب نظریات وی ارائه داده است.

مقاله ششم: «دیدگاه‌های زبان‌شناختی مثمر»: ترجمه‌ای است از مقاله روبندر گارگش استاد زبان‌شناسی دانشگاه دهلی که قبلاً در ۲۰۰۸م در مجموعه‌ای زیر نظر دکتر چندرشیکهر چاپ شده بود.

مقاله هفتم: «نقد و بررسی دیدگاه‌های آرزو در حوزه ساختار معنایی»: این مقاله به حوزه

معنایی کلام پرداخته و به مقولاتی مانند معرفت لغت و دلالت‌های معانی الفاظ از جمله مشترک، مترادف، اضداد، ابهام و مقوله اتباع و تباین دو اصطلاح معنی و یعنی در دلالت معنایی از دیدخان آرزو اشاره دارد.

مقاله هشتم: «مقوله ساخت و صورت در نزد منتقدان شبه‌قاره»: در این بخش به الزامات ساختاری در زبان و به ویژه در شعر از نگاه خان آرزو و دیگر منتقدان شبه‌قاره نظیر آزاد بلگرامی پرداخته شده و مؤلف بررسی می‌کند که تناسب (تناسب لفظی، تناسب هم‌نشینی کلمات در تولید معنی و توازن نحوی) و اولویت (جانشینی کلمات به جای هم) و نقش واژه در زنجیره کلام (شعر) در نقد این منتقدان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

مقاله نهم: «تصحیح و تنقیح متن به سبک و سیاق سراج‌الدین علی‌خان آرزو»: در این مقاله به شیوه تصحیح و به طور کلی تر اصلاح متن (شعر) از دیدگاه آرزو پرداخته شده است.

مقاله دهم: «نظریه دریافت از سراج‌الدین علی‌خان آرزو اکبرآبادی تا هانس روبریانس آلمانی»: مؤلف پس از پرداختن به نظریه دریافت و ذکر نظرگاه‌های پیشگامان بحث هرمنوتیک، آرای خان آرزو در خصوص فهم و دریافت شعر را با آرای این نظریه‌پردازان تطبیق می‌دهد.

مقاله یازدهم: «زواید/فوائد»: این گفتار به معرفی رساله *زواید/فوائد* اختصاص دارد که موضوع آن مصادر و مشتقات آن در زبان فارسی است.

مقاله دوازدهم: «عطیه کبری و موهبت عظمی»: مؤلف به معرفی دو کتاب از خان آرزو یعنی عطیه کبری در علم بیان و موهبت عظمی در فن معانی می‌پردازد و برخی مباحث مطرح

شده در این دو کتاب را مورد بررسی و تدقیق قرار داده، سپس نقدهایی به روش تصحیح چاپ این دو کتاب به تصحیح سیروس شمیسا (۱۳۸۱) وارد می‌کند.

مقاله سیزدهم: «نامۀ حزین به آرزو»: در کیفیت و صحت انتساب نامۀ حزین به آرزو (متضمن شرح ۲۴ بیت از اشعار خاقانی شروانی) و همچنین شروح خاقانی منتسب به خان آرزو بحث کرده و در ادامه نامۀ حزین به آرزو را تصحیح کرده است.

مقاله چهاردهم: مدخل «آرزو» در *دانشنامه جهان اسلام*: به نقد مقاله خان آرزو در جلد ۱۴ *دانشنامه جهان اسلام* پرداخته است.

مینا سعیدی ملک

مولانا یعقوب صوفی کشمیری، مسلک الاخیار، دکتر محمود حسن آبادی، دکتر محمدعلی زهرازاده، دانشگاه سیستان و بلوچستان با همکاری نشر مرنديز، زاهدان، ۲۷۲ صفحه.

مولانا یعقوب صوفی کشمیری (۹۲۸-۱۰۰۰ق) از نویسندگان و شاعران فارسی‌گوی قرن دهم کشمیر که در دورۀ حیات خود به ماوراءالنهر رفت و پس از آشنایی با محافل و مجالس صوفیه ماوراءالنهر و ایران به کشمیر بازگشت. وی در زمان خود بیشتر به عنوان عالم دینی و صوفی شهرت داشته است.

صرفی آثاری به نثر و نظم دارد. وی اشعاری در قالب غزل، قصیده و رباعی دارد ولی عمده توجه و علاقه وی به سرایش مثنوی است. *مسلک الاخیار* یکی از مثنوی‌های پنج‌گانه اوست که به تصریح خودش به تقلید از نظامی و

به نام پنج گنج سروده است و در سرایش آنها به دیگر مقلدان نظامی چون امیرخسرو دهلوی و جامی نیز نظر داشته است.

پنج گنج شامل: ۱) *مسلک الاخیار* (۹۹۳ق) بر وزن مخزن الاسرار نظامی در ۲۲۱۹ بیت. ۲) *وامق و عذرا* (۹۹۳ق) بر وزن خسرو و شیرین. ۳) *لیلی و مجنون* (۹۹۶ق) بر وزن لیلی و مجنون. ۴) *مغازی النبی* (۱۰۰۰ق) بر وزن و در مقابله اسکندرنامه نظامی. ۵) *مقامات پیر راه* (۱۰۰۰ق) در وزن هفت‌پیکر نظامی است.

مسلک الاخیار با حمد و ستایش نبی اکرم شروع می‌شود، سپس به توحید باری تعالی می‌رسد. در ادامه به پنج مناجات در اثبات واجب، صفات سعید الهیه، طلب توفیق بر عبادت، استدعای شراب محبت از خمخانه وحدت و استقامت نیران فنا و پنج نعت در حمد خاتم الرسل می‌پردازد، و پس از مدح و منقبت مرشدان خود میر سیدعلی همدانی (ملقب به علی ثانی) و شیخ حسین خوارزمی، در فضیلت سخن و تفاضل سخن منثور و منظوم و در بیان حقیقت دل‌ایباتی می‌سراید. از بیت ۸۳۳ در سه مجلس با ذکر واقعه‌هایی از ارشادات پیر کامل خود یاد می‌کند و در ادامه بیست *مسلک* از مسالک طریقت را برمی‌شمرد و در ضمن آن حکایاتی مناسب از اولیای طریقت منظوم می‌کند. مسالک عبارتند از: در حقیقت یقطه، توبه، اخلاص، محاسبه، تفکر، در فضیلت تواضع، رضا، شک، توکل، قناعت، نماز، زکات، روزه، جهاد، حج، ذکر، صمت و سکوت، ترغیب عزلت، لزوم مرشد کامل، ربط قلب مرشد کامل و ضبط نفس از اعتراض آن کامل.

مصححین محترم کتاب در تصحیح متن از

قند پارسی (نقوش تحقیق، ویژه‌نامه استاد شریف حسین قاسمی)، شماره ۶۰-۵۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ۵۳۸ صفحه.

این شماره از فصلنامه قند پارسی، به دنبال ویژه‌نامه‌های پیشین این نشریه که با عناوین «میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی»، «نسخ خطی هند»، «سفرنامه‌های هند»، «حزین و بنارس»، «کشمیر و میر سید علی همدانی»، «تاگور و بنگال»، «مجموعه مقالات استاد سید امیرحسن عابدی» و «مجموعه مقالات استاد نذیر احمد» منتشر شده‌اند، با عنوان «نقوش تحقیق» به استاد شریف حسین قاسمی اختصاص دارد.

پرفسور شریف حسین قاسمی متولد ۱۹۴۳م در دهلی است. پدرش مولانا اخلاق حسین قاسمی قرآن‌پژوه و مفسر قرآن بود. شریف حسین قاسمی در ۱۹۶۸ وارد دانشگاه دهلی شد و به دریافت دکتری زبان و ادبیات فارسی نایل گردید و در ۱۹۹۳ به درجه استادی زبان و ادب فارسی رسید. وی از اعضای فعال انجمن استادان زبان فارسی و انجمن پژوهشگران فارسی است و به پاس خدمات ارزنده‌اش به زبان فارسی، نشان عالی ریاست جمهوری هند به وی اعطا شده است. از آثار وی می‌توان به تصحیح متونی نظیر *سیرالمنازل*، *عبرة الغافلین*، *ریاض الشعراء* و *اله داغستانی*، *دستنوی غالب دهلوی و منشآت برهمن*؛ و ترجمه و تألیف کتاب‌ها و مقالات متعدد اشاره کرد.

در ویژه‌نامه شریف حسین قاسمی، پس از دیباچه به قلم علی فولادی، رایزن فرهنگی و سرپرست مرکز تحقیقات فارسی، عرض حالی به

دو نسخه، اول نسخه شماره ۶۱۳۴ کتابخانه دانشگاه کشمیر و دوم نسخه شماره ۱۵۷۴ کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر استفاده کرده‌اند. متن مذکور به همراه مقدمه‌ای مبسوط، تعلیقات و هشت فهرست در پایان کتاب به چاپ رسیده است.

در مورد متن مصحح متأسفانه بدخوانی‌ها و ترجیحات بلا رجحانی دیده می‌شود؛ برای مثال صفحه ۱۴۰ در «مسلك اول در حقیقت نقطه که اولین منازل راه حصول دولت شهود است و نخستین مراحل طریقی وصول به سر حقیقت وحدت وجود». با توجه به ذیل عنوان، مسلم است که «نقطه» تصحیف «یقطه» است به قرینه‌های بسیار از جمله «این همه خواب اجل شیخ و شاب/ از پی ایقاز تو باشد به خواب»، *الخ. سپس در ادامه در ضبط «اولین» ضبط نسخه دوم (ک) را به نسخه اصل که «اول من» است ترجیح داده‌اند، حال آنکه پوشیده نیست استفاده از «من» عربی در بین جملات فارسی به ویژه در این دوران معمول بوده است و در متون نثر به خصوص شواهد بسیار دارد. این در حالی است که در صفحه یک متن در بیت چهارم «جسر خط شوق به بغداد عشق/ سَلَم کاخ فرح آباد عشق» ضبط نسخه دوم (ک): «شط» بدون شک بر «خط» برتری دارد و مواردی از این دست. امید است در ویرایش بعدی کتاب نگاه مصحح تری شامل متن شود و کتاب پاکیزه‌تر به زیور طبع آراسته گردد.*

مینا سعیدی ملک

قلم شریف حسین قاسمی درج شده است. در بخشی از این شرح حال آمده است: «سی و نه مقالۀ تحقیقی که بنده در دوران چهل و پنج سال درس و تدریس فارسی در بخش فارسی دانشگاه دهلی به نگارش درآوردم، تقدیم علاقه‌مندان صاحب ذوق می‌گردد. بیشتر این مقالات که در مجله‌های مختلف هند و ایران به چاپ رسیده‌اند، متعلق به زبان و ادب فارسی در هند هستند که جنبه‌های مختلف سهم هند در پیشرفت ادبیات فارسی را روشن می‌سازند. این گونه نگارش‌ها به اثبات می‌رسانند که ما هندی‌ها در زبان و ادب فارسی، بدون هیچ شک و تردیدی شاگرد فارسی‌زبانان هستیم...»

عناوین سی و نه مقاله‌ای که از شریف حسین قاسمی در این شماره‌فند پاریسی منتشر شده است به این ترتیب است:

ازبایی تحقیقی ترجمۀ رودکی سمرقندی در شعرالعجم شبلی نعمانی، تاریخ اجتماعی هند در کتاب‌های فارسی تاریخ در دورۀ غزنوی، عرفا و شعریایی چند از بلخ در هند، تبادلات فکری میان صوفیان ایران و هند، آثار تاریخ به پیروی شاهنامه فردوسی در شبه‌قاره، تاریخچۀ پیدایش شطرنج در شاهنامه و اهمیت تاریخی آن، شاهنامه در هند، فتوح السلاطین معروف به شاهنامه هند، حدیث عین القضاة همدانی در مجالس و سخنان عرفای هند، حدیث عطار در مجالس و آثار عرفای هندی، حدیث سعدی در مجالس و سخنان عرفای هند، ذکر سعدی در انفس العارفين، آیا شمس تبریز هندی بود؟ حدیث مولانا روم و مثنوی او در مجالس و سخنان عرفای هند، امیر خسرو دهلوی در دربار هرات، اهمیت ادبی و فرهنگی فوایدالنفاد از

حسن علای سجزی، نسخۀ خطی عمدۀ دیوان حافظ، شرح‌های فارسی دیوان حافظ در هند، آثار نظامی گنجوی در هند، نظیری نیشابوری، آثاری در نقد ادبی در هند، میرزا عبدالقادر بیدل در تذکره‌های شعرا، غزلی انتقادی-تاریخی از بیدل، معرفي اجمالی بیدل دهلوی و دو گزیده تاریخی دیوان وی، هند حزین، بحرالاسرار: سفرنامه هند قرن شانزدهم میلادی، مختصر لطیف: مأخذی ارزشمند در تاریخ هند، اهمیت تاریخی و ادبی مرآةالاصطلاح، حدیث دهلی در ادبیات فارسی، توصیف دارالخلافة شاهجهان آباد، مقدمه‌ای بر ریاض الشعرا، انجب: شاعر فارسی از اندلس در هند، فهرست چاپخانه‌های شبه‌قاره هند، بررسی انتقادی زبان و ادبیات فارسی در نیمۀ اول قرن نوزدهم میلادی در هند، فهرست آثار ایوانف، چهره‌نویسی، رواج شعر فارسی در هند جنوبی در قرن نوزدهم میلادی، دریچهای به کشمیر در سده چهارم هجری، قانون خوشنویسی (رساله). مقاله‌های «فتوح السلاطین» و «مختصر لطیف» از مهمترین مقاله‌های این مجموعه است. در مقالۀ «فتوح السلاطین معروف به شاهنامه هند»، شریف حسین قاسمی به معرفي نخستین نمونه شعر حماسی فارسی در هند پرداخته است. فتوح السلاطین به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده شده و بیانگر تاریخ هند از آغاز فرمانروایی مسلمانان در دورۀ محمود غزنوی تا پایان حکومت سلطان محمد بن تغلق است و تألیف آن در سال ۷۵۱ق پایان یافته است. وی در این مقاله ضمن بیان شرح حال مؤلف فتوح/السلاطین که «عصامی» نام داشته است، اثر وی را تحلیل کرده است.

فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان از سده هفتم هجری آغاز شده و در سده یازدهم به تکامل رسیده است. در قرون بعدی نیز در شبه‌قاره فرهنگ‌نویسی همواره مورد توجه بوده است.

در قرن هجدهم با وجود اینکه مهاجرت اهل علم و قلم از ایران به هندوستان کاهش یافت، اما فرهنگ‌نویسان محلی هندوستان به فرهنگ‌نویسی ادامه دادند. همچنین در قرن نوزدهم و همزمان با از رسمیت افتادن زبان فارسی در هندوستان، فرهنگ‌نویسی دو زبانه گسترش یافت. شیوه فرهنگ‌نویسی آن دوران، از فرهنگ‌نویسی غرب الگو می‌گرفت. هرچند تا قرن هجدهم میلادی غالب فرهنگ‌های فارسی محدود به اصطلاحات ادبی بود؛ اما به تدریج و بر اساس نیازهای زمانه، اصطلاحات علمی و فنی نیز به فرهنگ‌های فارسی راه یافتند. در همین راستا ادبیات توده مردم (مانند ضرب‌المثل‌ها) نیز به فرهنگ‌های فارسی راه یافتند.

فرهنگ‌نویسی فارسی در هند رواج بسیاری داشت. جلال‌الدین همایی در این باره نگاشته است: «اهتمامی که در کشور هندوستان (به معنی عام قدیم که شامل هر سه مملکت هند و پاکستان و بنگلادش فعلی است) نسبت به زبان و ادبیات فارسی مخصوصاً در قسمت فرهنگ‌نویسی و تذکره شعرا مبذول شده، چندین برابر کاری است که خود ایرانیان در این باره انجام داده‌اند... و نظیر خدمتی است که ایرانیان به زبان و ادبیات عرب انجام داده‌اند که هزار مرتبه بیشتر از خود عرب‌ها در این زمینه کار و کوشش کرده و کتاب نوشته‌اند».

با توجه به جایگاه زبان فارسی و تأثیرگذاری آن بر زبان‌های رایج در هند، به ویژه بر زبان‌های

در مقاله «مختصر لطیف: مأخذی ارزشمند در تاریخ هند»، کتاب مختصر لطیف معرفی شده است. مؤلف کتاب روپ نراین کهتری، در سده یازده و دوازده هجری می‌زیست و آثاری نظیر شش جهت، مرآت‌الآداب، مخزن‌العرفان و لغات جامع از وی به جا مانده است. مختصر لطیف در واقع ملخصی است از لب‌التواریخ که این نیز تلخیص و اقتباسی است از تاریخ فرشته و منتخب‌التواریخ. مختصر لطیف نیز به سان لب‌التواریخ دارای ده «باب» است، اما شش «فصل» بر آن افزوده شده است که ظاهراً این اضافات از روپ نراین است. تألیف کتاب در ۱۱۲۶ق پایان یافته و از منابع شناخت عهد اورنگ‌زیب است.

شماره ۶۰-۵۹ قند پارسی در ۵۳۸ صفحه توسط مرکز تحقیقات فارسی راینزی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو منتشر شده است.

احمد بهنامی

فرهنگ آریان (فارسی - هندی، انگلیسی، اردو)، ج اول تا سوم (آ - خ)، مدیر و سر ویراستار: چندرشیکهر، شورای مؤلفان و ویراستاران: مجیب رضوی، راوندز گارگیش، گوینده پُرساد، عبدالرشید، مدوکر تیواری، مرکز تحقیقات فارسی راینزی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، ۱۳۹۲، ۱۲۹۳ صفحه.

در طی قرون متمادی، زبان فارسی تأثیری ماندنی بر زبان‌های هند گذاشت. به همین دلیل دانستن زبان فارسی از ضروریات مطالعات برخی از ادوار هندوستان است و در این راستا نمی‌توان از اهمیت فرهنگ‌های فارسی چشم پوشید. آغاز

سرپرستی حسن انوری) استفاده شده است. واژه‌های منسوخ و متروک در این فرهنگ گنجانده نشده‌اند؛ اما واژه‌های مرکب و ترکیبات جدیدی که در فرهنگ/مروز و فرهنگ سخن ارائه شده‌اند، در اینجا نیز وجود دارد. نحوه توضیح ریشه واژه‌ها و هویت دستوری آنها بر اساس فرهنگ معین است. مداخل این فرهنگ علاوه بر آوانگاری لاتین، آوانگاری هندی هم دارند. همچنین اصطلاحات رایج و برخی ضرب‌المثل‌های عامیانه نیز انتخاب و معادل‌سازی شده‌اند.

از تجدید نظرهای اعمال شده در چاپ جدید فرهنگ مزبور، وجود سرواژه‌های جدیدی است که از فرهنگ‌های چاپ ایران به ویژه از فرهنگ معاصر کریمی و واژه‌نامۀ فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران گزینش شده است. در این جلد جدید از فرهنگ *آریان*، شیوه‌نامه بدون تغییر و مطابق با سه جلدی است که قبلاً به چاپ رسیده است.

زهرامعمر

تحقیق‌الاصطلاحات، مفتی سید امیر حیدر بلگرامی، مقدمه و تصحیح انتقادی از: دکتر شهناز پروین، مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، ۱۳۹۲، ۳۵۸ صفحه.

کتاب حاضر یکی از فرهنگ‌های زبان فارسی است که در هند تألیف شده است. مؤلف این فرهنگ، مفتی سید امیر حیدر بلگرامی، ادیب و شاعر قرن دوازدهم هجری، این اثر را در دهۀ سوم عمر خود تألیف نموده است (دیباچه، ص ۹). امیرحیدر سال‌ها در مقام مفتی

اردو و هندی، مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی، تهیه فرهنگ واژگان متناسب با زبان‌های رایج در هند را در دستور کار خود قرار داده است. آغاز تألیف و تدوین این فرهنگ با نام فرهنگ *آریان*، سال ۱۳۸۴ش بوده است. شورای مولفان و ویراستاران این فرهنگ متشکل از مجیب رضوی، راوَندر گارگیش، گوپَند پرساد، عبدالرشید و مَدوکر تیواری هستند که تحت نظارت دکتر چندر شیکهر به این کار اهتمام ورزیده‌اند. در نتیجۀ تلاش این گروه، اولین جلد این فرهنگ (آ - ب) در سال ۱۳۸۶ش، دومین جلد آن (پ - ث) در ۱۳۸۸ش و سومین جلد آن (ج - خ) در ۱۳۹۱ش به چاپ رسید.

در ادامه تجدید نظر در مجلدهای چاپ شده انجام شده و فرهنگ *آریان*، در بهمن ماه ۱۳۹۲ش به اهتمام مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو تجدید چاپ شده است. کتاب مذکور که مجلد اول تا سوم (آ-خ) را شامل می‌شود، ۱۲۹۳ صفحه دارد. نشانه‌های اختصاری به زبان‌های فارسی، انگلیسی و اردو و همچنین جدول تطبیقی حروف لاتینی و فارسی در ابتدای این کتاب گنجانده شده است.

فرهنگ *آریان* چهار زبانه بوده و معنی واژه‌های فارسی به زبان‌های هندی، انگلیسی و اردو در آن درج گردیده است. شیوه‌نامۀ این فرهنگ مطابق با شیوۀ رایج فرهنگ‌نویسی است. اساس کار برای انتخاب مداخل فارسی، فرهنگ‌های معتبر فارسی همچون فرهنگ معین بوده است. برای مداخل‌های جدیدتر نیز از فرهنگ فارسی/مروز (به کوشش غلامحسین صدری افشار) و فرهنگ بزرگ سخن (به

به گفته مصحح در مقدمه (ص ۲۵) تا حد امکان شعرهای مندرج در تحقیق الاصطلاحات با دیوان‌های خطی و چاپی سراینده‌گان آنها مقایسه شده و اطلاعات مفید و مهمی درباره افراد، کتاب‌ها، مکان‌ها و سایر موارد به کتاب افزوده شده است. همچنین از منابع دیگر نیز در شرح و توضیح اصطلاحات بهره برده است. مطلب دیگر، پرداختن به تجزیه و تحلیل اصطلاحات و مطابقت و مقایسه آنها با فرهنگ‌های مختلف مانند صحاح، فارسی مین هندی الفاظ، آندراج، فرهنگ ادبیات فارسی دری و غیره است.

تلفظ مدخل‌ها در تحقیق الاصطلاحات با ذکر به فتح، به ضم و به کسر مشخص شده است. گاهی نیز تلفظ آنها با ذکر کلمه‌ای هم‌وزن آنها مشخص شده، تلفظ همه مدخل‌ها به دست داده نشده است.

تعریف‌های فرهنگ معمولاً کوتاه است، اما برخی مدخل‌ها که به صورت عبارت هستند، طولانی‌تر از حد معمول است. مانند «درخت چه کنم». دسته دیگری از مدخل‌ها تعریف نشده و به همان شیوه معمول آن دوره کلمه «معروف» و عبارت «مشهور است» مقابل آنها نوشته شده است. در بعضی مدخل‌ها، کلمه مترادف آن به جای تعریف آمده است. معمولاً مؤلف در تعاریف یا به دست دادن تلفظ مدخل‌ها از فرهنگ‌های قبل از خود یا کتاب‌های مختلف مطالبی را در تأیید گفته خود بیان و البته درباره درست یا اشتباه بودن آنها دوری می‌کند (نک مدخل «تپیدن»).

(قاضی القضاة) در «عدالت کل» (دیوان عالی بنگال) خدمت کرد.

کتاب با دیباجه علی فولادی، رایزن فرهنگی و سرپرست مرکز تحقیقات فارسی - دهلی‌نو آغاز می‌شود که در آن به طور مختصر درباره فرهنگ لغت و پیشینه آن در ایران و هندوستان توضیح داده شده است. به دنبال آن مقدمه مصحح می‌آید. در مقدمه، مصحح ابتدا از شهر بلگرام و اهمیت آن و رجال و شاعران معروف و مهم آن سخن گفته، سپس به شرح احوال و آثار امیر حیدر بلگرامی و معرفی تحقیق الاصطلاحات و نسخه آن می‌پردازد. بعد از بخش مقدمه، سپاسگزاری و اختصارات قرار گرفته است.

متن فرهنگ با حمد و سپاس خداوند آغاز می‌شود و پس از آن مقدمه کوتاه مؤلف می‌آید. در مقدمه، مؤلف درباره چگونگی اثر خود و تألیف آن توضیح می‌دهد. مدخل‌های این فرهنگ به ترتیب حروف الفبا بر اساس حرف اول مرتب شده و شامل واژه‌های فارسی، عربی، ترکی و هندی، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها با شواهد شعری و برخی شواهد نثر از شاعران و نویسندگان مختلف است. بیشتر شواهد متعلق به صائب، شاعر بزرگ قرن یازدهم، است و در مرحله بعد شاعران هم‌دوره مؤلف. در این فرهنگ مدخل‌های هم‌معنی در یک مدخل کنار هم آمده‌اند، مانند «آب بر رو زدن، آب بر رخسار زدن و آب بر رخ افشاندن». تعدادی از مدخل‌های کتاب صورت صرف‌شده اصطلاحات‌اند، مانند «از جان من چه خواهی».

بعد از متن فرهنگ فهرست اشخاص و شاعرانی که نامی از آنها برده شده، به صورت شرح و توضیح زندگانی آنها معرفی شده است. به همین روش فهرست کتاب‌ها و اماکن نیز توضیح داده شده است. از ویژگی‌های مهم تحقیق‌الاصطلاحات ذکر نام بسیاری از شاعران گمنام و گمنام زبان فارسی است. در پایان کتاب نمایۀ اشخاص، کتاب‌ها و رساله‌ها، اماکن و فهرست منابع و مآخذ قرار گرفته است.

ندا زادگان میاردان

چهار گلشن، رای چتر من سکسینه کایسته، تصحیح و تنقیح به کوشش چندرشیکهر، دلی کتاب گهر، دهلی، ۲۰۱۱م.

اخبار/النوادر، معروف به *چهار گلشن*، که مطابق اشاره چندرشیکهر می‌توان موضوع آن را چند دانشی دانست. این اثر بر اساس الگو و مدل *آئین اکبری* به تألیف درآمده است (چندرشیکهر، پیشگفتار، ص الف).

رای چترمن در اداره عرض و دارایی دولت گورگانیان صاحب سمت بود. او از نزدیکان نواب غازی‌الدین خان، وزیر شاهجهان دوم (حک: ۱۱۷۳-۱۱۷۴ ق/ ۱۷۵۴-۱۷۶۰م) به شمار می‌آمد^۱ و در دوران خدمت در دستگاه او به اسناد و منابع ارزشمندی دسترسی داشت و به درخواست همین نواب این کتاب را با عنوان

اخبار/النوادر یا خلاصۀ نوادر تألیف کرد. چهارگلشن گزارشی است درباره هند از دوران قدیم تا امپراطوری مغول، عهد احمد شاه دوم و منبعی معتبر درباره اقتصاد قرن ۱۸ و تاریخچۀ اجتماعی و فرهنگی آن روزگار شبه‌قاره. چندر بهان منشی، نوۀ چترمن، در ۱۲۰۴ق، به تکمیل اوراق پراکنده چهارگلشن پرداخت و به آن مقدمه‌ای نیز افزود.

این کتاب در تاریخ عمومی هندوستان است و از روزگار راجه جددهشتر آغاز و به دوران شاهجهان دوم ختم می‌شود. گلشن اول در احوال صوبه دهلی، آگره و پنجاب و توصیف ۲۲ صوبه یا استان هند همراه با مختصات جغرافیایی آنهاست. سپس ذکر شهرهای معروف دیگر، دژها، رودخانه‌ها و سپس وصف پادشاهان و مشایخ و اولیای اسلام و هنود و نیز تاریخچۀ سیک‌ها و عبادتگاه آنان و گزارش آماری از درآمد صوبجات گوناگون آمده است.

چترمن پس از گزارش تاریخی و سیاسی مختصر این صوبه‌ها، به توصیف احوال مشایخ در دو جزء می‌پردازد: جزء اول مشتمل بر شرح حال ۶۵ تن از مشایخ اسلام صوبه دهلی است که نخستین به شرح حال استاد مؤلف، میر محمدعلی معروف به میرنجم علی خان تعلق دارد. سپس معرفی مختصر معابد اهل هنود و میله (تفرج گاه نمایشگاه)‌های اهل هنود و اسلام و توصیف سرکار (بخش) صوبه دهلی و توصیف استان بنگاله و ۲۸ صوبۀ آن است.

در گلشن دوم شش صوبۀ جنوب هند یعنی برار، خاندیش، اورنگ‌آباد، بیجاپور، حیدرآباد و

۱. محمد اقبال مجددی، «چهار گلشن»، *دانشنامۀ زبان و ادب فارسی در شبه قاره*، مجلد دوم، ۱۳۸۷ش.

بیدر مفصل توصیف شده‌اند.

گلشن سوم به رغم حجم اندک آن که تنها شامل شش ورق است (همو، ص و) از نظر اطلاعات جغرافیایی بسیار با ارزش است، زیرا نقشه راه‌های چهار سوی شاهجهان به شهرهای مختلف را در بر دارد.

گلشن چهارم دربارهٔ سلسله‌های درویشان و صوفیان هندی، عرب و ایرانی است.

در این گلشن سلسله‌های تصوف ایران نظیر محاسنان قسریان، طبعوریان، جنیدیان، نوریان، حکیمیان و برخی دیگر معرفی شده است و پس از آن دربارهٔ سلسله‌های هنود و و اعمال جوگی‌های معروف مانند تلسی داس و نند داس برهمن و برخی دیگر اطلاعاتی به دست می‌دهد و از بابا گورونانک (وفات: ۱۰۹۶) بنیانگذار فرقهٔ سیک‌ها در زمان سلطنت همایون (حک: ۹۳۷-۱۵۳۱/۹۶۳-۱۵۵۶) سخن می‌گوید.

چهار نسخه از چهار گلشن که در اختیار چندرشیکهر بوده، یکی متعلق به کتابخانهٔ خدابخش، دو نسخه از کتابخانهٔ ویکتوریا، اودی پور و نسخهٔ اولور (متعلق به کتابخانهٔ دولتی تونک) است.

او در پایان، فهرستی از ۵ نسخه دیگر چهار گلشن که برای مقایسه و تطبیق استفاده کرده است، ارائه می‌دهد.

چندرشیکهر یادآوری می‌کند جادونات سرکار، الیوت و داوسن نیز این کتاب و نسخه‌های آن را بررسی و معرفی کرده‌اند (همان، ص ط).

کتاب دارای واژه‌های بسیاری از زبان هندی

رایج در سدهٔ ۱۷ میلادی است. در برخی موارد، نویسندگان برای واژه‌های هندی نظیر واژهٔ شراده (مراسم قدیمی و رایج بین هنود در یادبود و بزرگداشت بزرگان که دو بار در سال برگزار می‌شود) واژه‌گزینی کرده و معادل فاتحه‌خوانی را برای آن انتخاب کرده است.

در بخش فارسی نمایه‌ای از فهرست تمام اشخاص و اماکن نیز آمده است و چند صفحه‌ای از نقشهٔ جغرافیایی برخی نسخه‌ها نیز نمونه‌وار ضمیمه است.

پیشگفتاری به زبان انگلیسی نیز از خانم دیپتی تریپاتی دربارهٔ دورهٔ تاریخی میانهٔ هند، عصر بابریان و زبان فارسی و نقش آن به عنوان زبان میانجی در آن دوران، در کتاب، درج است. ایشان یادآوری می‌کند که فارسی زبان ذخیری غنی از آثاری است که در کتابخانه‌های شبه قاره به یادگار باقی است.

مقدمهٔ انگلیسی چهار گلشن از چندرشیکهر، در حقیقت، ترجمهٔ مقدمهٔ فارسی آن با اضافاتی مبسوط است. در مقدمهٔ انگلیسی اطلاعاتی دربارهٔ زندگی رای چترمن و زادگاه او، عظیم‌آباد و استادش، میرمحمد، آمده است و سپس اطلاعاتی دربارهٔ حکمرانان و توصیفی از اولیاء صوفیه به دست داده شده.

چندرشیکهر می‌گوید که این اثر از منابع مهم و معتبر در تاریخ صوفیه و نقش آنها در مناسبات اقتصادی و سیاسی دورهٔ مغولان هند تا نیمهٔ اول قرن ۱۸ میلادی به شمار می‌آید. بخش اعظم از این مقدمهٔ انگلیسی مانند مقاله‌ای توصیفی و تحقیقی دربارهٔ عرفا و حالات

روحي آنان است و ثبت برخی وقایع شگفت‌انگیز در چهارگلشن بر احوال درونی رای چترمن و تمایلات عرفانی وی دلالت دارد. وی در این مقدمه به طور مفصل به توصیف چهارگلشن پرداخته و سپس نسخه‌های آن را معرفی کرده است و در پایان نیز گزیده‌ای از کتاب‌شناسی آن را به انگلیسی ارائه داده است.

ثریا پناهی

تاریخ فرشته، تألیف محمدقاسم هندوشاه استرآبادی، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات: دکتر محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، جلد سوم، تهران، ۱۳۹۳، ۶۸۵ ص، ۴۰۰۰ تومان.

تاریخ‌نویسی فارسی در شبۀ قاره هند سابقه‌ای کهن دارد و بیش از هشتصد سال از زمان تألیف *تاج‌المآثر*، نخستین تاریخ هند به زبان فارسی، می‌گذرد. بعد از *تاج‌المآثر* این سنت در آن سرزمین مورد توجه واقع شد و از آن زمان به بعد متون تاریخی بسیاری در آن سرزمین به فارسی تألیف شده است.

یکی از تواریخ مهم نگاشته‌شده در هند به زبان فارسی *تاریخ فرشته* است که از قدیم مورد توجه بوده است. *تاریخ فرشته* متنی فارسی است در تاریخ سلاطین مسلمان هندوستان از آغاز تا اوایل سده یازدهم. مؤلف آن محمدقاسم هندوشاه استرآبادی معروف به فرشته است که از حکما و دانشمندان معروف ایرانی‌تبار مهاجر به هند بوده است. فرشته تاریخش را به نام عادلشاه ابراهیم دوم نوشت و به همین سبب ابتدا آن را *گلشن ابراهیمی* نامید. تألیف

نخستین صورت متن با عنوان *گلشن ابراهیمی* در ۱۰۱۵ق به پایان رسیده است. فرشته پس از آن مطالبی دیگر به کتاب افزود و در ۱۰۱۸ق متن را با عنوان *نورس‌نامه* عرضه کرد که مشتمل بر وقایع سال‌های بیشتری است. اما در نهایت کتاب به *تاریخ فرشته* شهرت یافت. فرشته به توصیف عادلشاه، *روضه الصفای* میرخواند را الگوی کار خود قرار داده است. در ضمن عادلشاه خود نیز از فرشته خواسته بود که تاریخی بنویسد و به‌ویژه در آن به سلاطین دکن بپردازد و در واقع *تاریخ فرشته* به خواهش او به رشته تحریر درآمده است.

تاریخ فرشته مشتمل است بر مقدمه‌ای در برخی آیین‌ها و آداب هندوان و بعضی از اساطیر آن سامان و کیفیت ظهور اسلام در هند، دوازده مقاله و یک خاتمه. دوازده مقاله کتاب که بخش اصلی آن را دربردارند عبارتند از: در ذکر سلاطین لاهور؛ در ذکر سلاطین دهلی؛ در ذکر سلاطین دکن؛ در ذکر سلاطین گجرات؛ در ذکر سلاطین مالوه؛ در ذکر سلاطین خاندیش؛ در ذکر سلاطین بنگاله؛ در ذکر سلاطین ملتان؛ در ذکر سلاطین سند؛ در ذکر سلاطین کشمیر؛ در ذکر سلاطین ملیبار؛ در ذکر حالات مشایخ هندوستان. خاتمه کتاب نیز تحت عنوان «در ذکر کیفیت هند و غیره» است.

فرشته در نوشتن کتاب خود از سی و چند مأخذ استفاده کرده که نام آنها را در مقدمه کتاب ذکر کرده است از جمله: *تاج‌المآثر*، *طبقات ناصری*، *تاریخ فیروزشاهی*، *روضه الصفای*، *حبیب‌السیر*، *تاریخ الفی* و... یکی از نکات مهم و

نخستین بار است که این کتاب مهم به صورت انتقادی و بر اساس دست‌نویس‌های معتبر به همراه مقدمه و تعلیقات مفصل منتشر شده است.

مصحح چاپ حاضر، دکتر محمدرضا نصیری است که در زمینه متون فارسی تألیف شده در شبه‌قاره، به ویژه متون تاریخی، متخصص است و پیش از این با چاپ متون تاریخی دیگری از سرزمین هند در این زمینه کارنامه درخشانی از خود به جای گذاشته است. ایشان علی‌رغم دشواری‌های تصحیح این کتاب از جمله تشخیص ضبط درست اسامی اشخاص و مکان‌ها توانسته به خوبی از عهده تصحیح متن برآید و توضیحات سودمندی نیز در پایان برای شناخت بهتر اعلام، آورده است.

جلد اول که پیش‌تر در سال ۱۳۸۷ انتشار یافته از آغاز کتاب تا سر حکومت بابر را شامل است. مصحح در پیشگفتار سی و چهار صفحه‌ای خود کوشیده اطلاعات دست‌اولی در باب مؤلف کتاب و زمانه او و شیوه تاریخ‌نگاری‌اش عرضه کند. صفحات آغازین این پیشگفتار به سنت تاریخ‌نگاری فارسی در هند و سیر آن در این سرزمین اختصاص یافته است. پس از آن سرگذشت مؤلف کتاب به تفصیل بیان شده و سپس‌تر از ویژگی‌های تاریخ‌فرشته سخن رفته است. بعد از آن بخش «اقبال خاورشناسان به تاریخ‌فرشته» دیده می‌شود و در انتهای مقدمه هم نسخه‌های مورد استفاده و روش تصحیح بیان شده است.

مصحح در تصحیح این متن از چهار دست‌نویس و دو چاپ سنگی کتاب بهره برده

برجسته در باب تاریخ‌فرشته این است که برخی از منابعی که مؤلف از آنها استفاده کرده اکنون در دست نیست و آگاهی ما از آنها از طریق همین کتاب است.

مورخان بعدی در نوشتن تواریخ خود بسیار از تاریخ‌فرشته بهره گرفته‌اند از جمله رای‌بندرابن در تألیف *لبّ‌التواریخ* هند و محمد افضل خیرآبادی در تألیف *خلاصه‌التواریخ*. تاریخ‌فرشته مأخذی دست‌اول برای تاریخ سلسله‌های مسلمان جنوب هند و سرزمین دکن به شمار می‌آید. این اثر به دلیل به کارگیری اصطلاحات فراوان دیوانی و نظامی دوره خود، منبع مفیدی در پژوهش‌های مربوط به ساختار اداری و نظامی آن روزگار نیز محسوب می‌شود. همچنین به سبب توجه بسیار به آداب و رسوم و اعتقادات و باورهای مردم هند مأخذی سودمند برای تحقیقات مردم‌شناسی و تاریخ اجتماعی آن سرزمین به حساب می‌آید.

نثر تاریخ‌فرشته نمونه نثر فارسی رایج در شبه‌قاره در سده‌های دهم و یازدهم است. مؤلف در بخش مقدمه نثر منشیانه به کار برده و در متن کتاب نثر ساده و روان دارد.

تاریخ‌فرشته از سده هجدهم میلادی مورد توجه مستشرقان واقع شده و تا کنون چند بار به زبان‌های اروپایی ترجمه شده است. مقالات متعددی نیز درباره آن نوشته شده و به چاپ رسیده است.

این کتاب نخستین بار در ۱۲۴۷ق در بمبئی و سپس در سال‌های بعد در مطبعه نولکشور در دو جلد به چاپ رسید. اکنون برای

است؛ دو نسخه از کتابخانه خدابخش در پتتا، یک نسخه از کتابخانه ملی شیراز (آیت‌الله دستغیب امروزی) و یک نسخه از کتابخانه مجلس شورا. در موضعی نیز چاپ ممبئی (بمبئی) و چاپ نولکشور به کار گرفته شده است.

در این جلد، متن کتاب در صفحه ۶۲۶ به پایان می‌رسد و از آن پس بخش «افزوده‌ها» آغاز می‌گردد که شامل تعلیقات، لغات و اصطلاحات، فهرست آیات احادیث و امثال و حکم و جملات عربی، فهرست اشعار، فهرست اشخاص، فهرست جاه‌ها، فهرست مشاغل و مناصب، فهرست ملل و نحل، فهرست کتاب‌ها و کتابنامه است.

تعلیقات بیشتر شامل توضیحات سودمند و روشنگری در باب اعلام تاریخی و جغرافیایی است که برای خوانندگان بسیار مفید تواند بود. فهرست‌های متعدد نامبرده نیز هر یک برای سهولت خوانندگان تهیه شده که در یافتن آسان‌تر موضوعات و مطالب مورد نظر بسیار کارساز است.

جلد اول با تصاویری از دست‌نویس‌های مورد استفاده در تصحیح کتاب به پایان می‌رسد. جلد دوم تاریخ فرشته یک سال بعد از جلد اول، در سال ۱۳۸۸ روانه بازار نشر شد. این جلد از کتاب، از حکومت بابر تا عادلشاهیان را در بر دارد. مصحح در این جلد نیز کوشیده تا با تعلیقات پایان کتاب توضیحات لازم را ارائه دهد تا کار درک تمام جزئیات متن برای خواننده آسان‌تر شود. فهرست‌هایی متنوع نیز در انتها تهیه شده تا استفاده از متن به راحتی صورت پذیرد.

جلد سوم که اخیراً انتشار یافته از عادلشاهیان تا بریدشاهیان را در بر دارد. این جلد شامل روضۀ دوم، مقالۀ سوم تا روضۀ ششم است. متن کتاب ۵۴۶ صفحه است و بعد از آن مصحح محترم تعلیقات و فهرست‌های متعددی به کتاب افزوده است.

در تعلیقات توضیحاتی درباره اعلام متن، شهرها و به طور کلی مشکلات متن آورده است. بعد از آن فهرست‌ها آمده که از این قرارند: لغات و اصطلاحات، برخی از واژه‌های نظامی، برخی از تعبیرها، برخی از ترکیبات، فهرست آیات و احادیث و عبارات عربی، اشعار، مصرع‌ها، اشخاص، جای‌ها، ملل و نحل، مشاغل و مناصب و القاب و کتاب‌ها. در پایان کتاب نیز کتاب‌نامه آمده است.

کار تصحیح و چاپ تاریخ فرشته در چهار جلد پایان می‌یابد که تا کنون سه جلد آن در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. جلد چهارم نیز که بیش از ۱۱۰۰ صفحه است با ذکر سلاطین گجرات آغاز می‌شود و در فصل‌های بعدی مؤلف به ذکر سلاطین ملیبار، کشمیر و ملتان می‌پردازد. به حالات و مقامات مشایخ چشتیه هندوستان مانند نظام‌الدین اولیاء، امیرخسرو دهلوی، حسن سجزی، عراقی و... اشاره می‌کند. این کتاب با ذکر کیفیت هندوستان جنت نشان پایان می‌یابد.

امید است که مصحح کار تصحیح جلد باقی‌مانده را نیز هر چه زودتر به پایان برد تا خوانندگان از فواید آن بهره‌یاب شوند.

نسیم عظیمی‌پور

انگلیسی تألیف شده است (البته عنوان فصول و نام کتاب‌ها به فارسی نیز نگاشته شده است).

کتاب دارای پیشگفتاری به قلم دیپتی تریپاتی (مدیر انتشارات)، پیرامون تأثیرات متقابل فرهنگ ایران و هند و مقدمه‌ای به قلم شریف حسین قاسمی است. وی در این مقدمه زبان فارسی را خواهر زبان سنسکریت دانسته و این فهرست را کامل‌ترین مجموعه از این دست خوانده است. به تصریح مؤلف در مقدمه کتاب، او در تدوین فهرست مذکور از دیگر فهرست‌هایی که در دسترس بوده استفاده کرده است.

۲۵۱۷ نسخه دست‌نویس و نسخه چاپی در این کتاب فهرست شده و به صورت موضوعی در ۱۴ فصل طبقه‌بندی شده است: ۱- تاریخ و باستان‌شناسی ۲- ادبیات قدیم مردمی ۳- ادبیات پورانی ۴- مذهب و عرفان ۵- مذهب سیک ۶- داستان‌های تاریخی و نیمه‌تاریخی ۷- داستان‌های هند شمالی و پنجاب ۸- داستان‌های دیگر ۹- علوم و فنون ۱۰- موسیقی ۱۱- جادو ۱۲- پزشکی ۱۳- نجوم ۱۴- ریاضیات.

در هر فصل عنوان نسخه‌ها نگاشته شده و در ذیل هر یک شرح مختصری از نسخه مزبور ارائه شده، سپس مشخصات نسخه‌های یافت‌شده از آن ذکر شده است. حتی‌الامکان به نوع خط نسخه نیز اشاره شده و اگر نسخه‌ای مینیاتور داشته، ذکر شده است. کتاب دارای تصاویری از نسخ خطی (اعم از مینیاتور و متن) و همچنین ۳ نمایه از آثار، اشخاص و کاتبان نیز است.

زهرامعمر

A Descriptive Catalogue of Persian Translations of Indian Works, sharif Husain Qasemi, 279 p., first published 2014. Price: 2500.

فهرست توصیفی ترجمه‌های فارسی آثار هندی، شریف حسین قاسمی، ۲۷۹ص، چاپ اول: ۲۰۱۴م).

پیوند فرهنگی ایران و هند ریشه تاریخی کهن دارد. در طی سال‌های متمادی فرهنگ اسلام و زبان فارسی بیشترین تأثیر را بر آنچه امروزه فرهنگ هند خوانده می‌شود گذاشت. رابطه فرهنگی و اجتماعی ایران و هند در عصر اسلامی، بیش از پیش استوارگردید؛ زیرا دین، فرهنگ، معارف اسلامی و زبان عربی از طریق ایران و توسط ایرانیان و بیشتر به زبان فارسی در شبه‌قاره هند گسترش یافت. البته زبان فارسی از همان اوان تسخیر هندوستان به دست محمود غزنوی به هند راه یافته بود و گسترش آن در هند، متأثر از عواملی چون وجوه مشترک فرهنگ، روابط سیاسی، حوادث تاریخی، مهاجرت ایرانیان به ویژه عرفا و هنرمندان به هند، دلبستگی سلاطین هند به زبان فارسی و حمایت آنان از شاعران فارسی‌گوی بود. در این میان نسخه‌های خطی فراوانی نیز در طی سال‌های متمادی از زبان هندی و سنسکریت به فارسی ترجمه شد و امروزه ناگزیر فهرست‌هایی برای آنها تدوین می‌شود.

فهرست توصیفی ترجمه‌های فارسی آثار هندی اثر پروفسور شریف حسین قاسمی یکی از این فهرست‌ها است که توسط National Mission for Manuscripts در سال ۲۰۱۴م در دهلی نو به چاپ رسیده است. این کتاب به زبان